

داکتر اکرم عثمان و بازی ظریف اپراتیفی در تهران

تهران

سال ۱۹۹۱ بود. ساختمان چهار طبقه و خوش رنگ سفارت افغانستان در تقاطع سرک داکتر بهشی و سرک پاکستان در بالا شهر تهران، پنج کارمند سیاسی و یک مامور اداری با تجربه را در خود جا داده بود و رئیس جمهور وقت ترجیح داد به جای اسدالله کثمتند، که سالها در آنجا تجربه سفارت داشت، دوست دوران نوجوانی اش را به عنوان شارژدافیر سفارت افغانستان در تهران، بر گزیند:

داکتر اکرم عثمان را رئیس جمهور وقت که خود نیز در آنجا، باری تجربه سفارت کرده بود و به اهمیت آن بسا وقوف داشت، زیرا که " موضوع و محمول " در کار اپراتیفی، یا که همان عمود وسطی خیمه ای، رشته ای که داکتر عثمان بر آن چه زود آگه گشت.

آنهم درست در پاره تاریخی که، اتحاد شوروی به حزب پشت کرده بود و تهران آینده نفوذش را در وجود شیعیان مسلحی میدید که ساحات مرکزی کشور را ظاهرا در کنترل داشتند و رئیس جمهور به همیاری هر چند ناچیز دولتمردان تهران نشین تکیه کرده بود.

در آن مقطع تاریخ، نمیشد هر کی را در آن پست بسیار حساس گماشت. داکتر با انتخابش، ثابت کرد بازیگر بی همتایی است و مامور شناس بی بدیل. و تهران به رمز پاشنه آشیل پی برده بود، به واژگونی دولت مستعجل، و داکتر عثمان برگزیده رئیس جمهور، مصرفی بود، قیمت بها تر از آنچه که پنداشته بودند، نه چنانکه دگران آنرا نوع دلجویی و حقاری و پاس دوستی داکتر در حق او تصور میکردند.

کابل آشفته حال

دولتمردان کابل آشفته حال، به نحو ماهرانه دریافتند، تا تهران را قانع کنند که در پی تفویض اهل تشیع گردند که در جنگ داخلی، آهسته آهسته به حاشیه رانده میشدند، زیرا که گروپ های پشتون تبار و تاجیک تبار و ازبک تبار، ابتکار جنگ را بدست گرفته بودند و نیز قحطی مواد غذایی، مردم آن دیار فلک زده را، خشمگین کرده بود. این بازی ماهرانه سود مضاعف داشت:

- با ارسال اسلحه، جنگ میان گروهی تشدید می گردید و دولت میتوانست در نقاط دیگر، مدافعه را تمرکز دهد
- کمک رسانی به قحطی زدگان ساحات مرکزی، به نحوی زمینه میشد که بار فشار از دوش دولت کاسته شود.

برای تهران اما، کمک رسانی به همباوران شیعه، یک فرض مذهبی پنداشته میشد و اعمال نفوذ برای آینده به عنوان یک فرض سیاسی. نشست چند هواپیمای مملو از مواد غذایی در کابل، به عنوان حرکت حسن نیت و خوش ارادگی ولایت فقیه، دستاوردی قیمت بهایی بود که موقف داکتر عثمان را در چشم رئیس جمهور، بسا برجسته تر کرد.

بازی ظریف اپراتیفی

داکتر اکرم عثمان داستان پرداز و گوینده نیکو صدا، مجری بازی ظریف اپراتیفی میگردد که ظاهراً تنها میتوانست در توان کارمندان متجرب وزارت امنیت دولتی باشد و نه در توان نویسندگان و گوینده رادیو: فرستادن اسلحه به حزب وحدت اسلامی و غذا به آسیب رسیدگان بامیان و اهل تشیع در شمال کشور ما گزاره ضد و نقیض شگفتی آور است اما، نتیجه ای درخشانی بدست داد و دولت چند صباحی به عمرش افزود. داکتر عثمان با لطافت زبان معمول خودش، به مامورین سفارت اعم از مسئولین فونسل و اطلاعاتی با ایما و اشاره افاده کرد که با رئیس جمهور گذشته و رابطه همکاری و آشنایی دارد و همان است که او را به سفارت فرستاده است. ایرانی ها با فراست مسئله ای را دریافتند. درس خوانده تهران، زبان سیاسی مریبان ایرانی و نیز بازی اپراتیفی فرماندارش، داکتر نجیب الله را دریافته بود و کارمندان اطلاعاتی تازه پی میبرند که آنها نه تنها با داستان پرداز خوش آواز، که با امر بسا صاحب صلاحیت و راز فهم و ذوق حسی طرف هستند.

داکتر اکرم عثمان با همکاری کارمندان استخباراتی وزارت امنیت در سفارت، جزئیات "پروژه بامیان" را با ظرافت تمام با ایرانیان در میان میگذازد و از آنان میخواهد در کمک به مردم بامیان شتاب کنند. داکتر عثمان، گفت و شنود

دشوار قانع سازی ایرانیان و نیز جزئیات اطلاعاتی و اپراتیفی را در چند نوبت، به نحو شایسته ای به انجام میرساند و به نتایج ملموسی دست میابد. رئیس جمهور از نتایج دست آورد های او، قانع میگردد که، سد ساز ماهر ی برگزیده است که توانست با تردستی، سد آگیری بنا کند، یکی از مامورین فرهیخته سفارت در آنوقت، که نمی خواهد نامش فاش گردد، شمه از آن بازی شگفت را بازگو میکند: ما به علت موقعیت شغلی، کمتر در بخش اطلاعاتی مشوره میکردیم و اما برگزینی شارژدافیر سفارت، جناب داکتر اکرم عثمان به عنوان "مجری پروژه بامیان"، برای ما تعجب آور بود. او بعد از آنکه جزئیات وظیفوی را در همکاری ایرانی ها، با هم بست، برنامه را برای ما آشکار کرد، قرار بر این شد که با هر پرواز شبانه بی که ایرانی ها بر فراز بامیان انجام می دهند یک نفر از مامورین سفارت آنرا همراهی کند که شامل حال تمام مامورین میشد. و من ناخواسته در یک بازی ماهرانه گیر افتاده بودم که پر از خطر بود و کار یک دیپلمات نبود.

وظیفه ما مشخص بود: کنترل محتویات محموله ها، که از هوا پرتاب میشد و نیز همراهی سرنشینان هواپیما، الی برگشت به تهران. در نخستین پرواز که من به عنوان همراه برگزیده شدم، ایرانی ها با تکیه بر این استدلال که "بسته ها را اگر باز کنیم دوباره بسته بندی آن اشکال دارد" با اعتراض من مواجه گردیدند، که در برگشت از بامیان، موضوع را با داکتر عثمان در جریان گذاشتم، خونسردانه گفت: "چشم تانه بسته کنید داکتر صاحب در بالا از موضوع با خبر است." محمد کبیر فراهی مامور وزارت خارجه (اکنون معین وزارت خارجه دولت کرزی) و محمد عارف نماینده وزارت امنیت بعداً بنا بر تقاضای ایرانی ها در مدت شش ماه توانستند پروژه بامیان را، نه از تهران بلکه از مشهد به اتمام برسانند و ما توانستیم نفس راحت بکشیم. ناگفته واضح بود که بر علاوه مواد غذایی رقم اساسی محموله ها را، اسلحه تشکیل میداد. حزب وحدت بنا بر اختلافات داخلی در تنگنا افتاده بود و ابتکار سیاسی به دست رقبای جمعیتی و حزب اسلامی در گردش بود. ایران فرض دینی و سیاسی اشرا، چه آسان دریافته بود.

.....

توجه کنید به نامه سری که از نام داکتر عثمان و از سفارت افغانستان در تهران به کابل تگرافی فرستاده شده است و وحید مزده مامور وزارت خارجه دولت طالبان و صاحب نظر کنونی از آن در همان زمان کاپی برداشته است :

«امروز به تقاضای آقای نجفی مسئول دفتر امور مربوط افغانستان در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران مذاکرات طویل و با اهمیت داشتم که مراتب را با پوسته سیاسی به اطلاع خواهم رسانید ولی عمده ترین نکات این مذاکره را باتوجه به میرم بودن آنها به استحضار میرسانم.

۱- آقای نجفی گفت: انکشافات اخیر اوضاع افغانستان ایجاب می کند که ما باید مصر تر وجدیتر به حمایت از حکومت آقای نجیب الله بر خیزیم و بکوشیم که حاکمیت موجود جمهوری افغانستان تداوم پیدا کند و ریشه بگیرد.
۲- ما ارسال کمک های ایران را به تمام افغانستان علی الخصوص به مردم کابل گسترش خواهیم داد و در موارد بیشتر سیاسی در آینده به صحبت خواهیم نشست.

۳- از مقامات افغانی خواهشمندیم به منظور جلوگیری از سوء استفاده های تبلیغات عناصر افراطی در پشاور و اسلام آباد بهتر است توسعه مناسبات ما تحت پوشش وزیر پرده بماند و هیچ جانب از آن استفاده تبلیغاتی نبرد.

۴- از آنجائیکه تدارک و ارسال کمک از تهران به مناطق مرکزی و بعداً به کابل پرواز دراز مدت را در بر می گیرد تصمیم گرفته ایم آن پرواز ها از مشهد و با حضور و مشارکت نماینده حلال احمر افغانی چون آقایان محمدعارف و محمد کبیر در تمام پروازها صورت بگیرد. بنا بر این آرزومندیم مقامات افغانی از ابلاغ ساعت قبل پرواز از سوی مقامات ایران بپرهیزند. چنانچه میدانید وضع جوی در مناطق مرکزی افغانستان سخت متغیر است و مطابق تقسیم اوقات ثابت و مقرر نمیتواند پروازها را سازمان داد از این سبب خواهشمندیم جانب افغانی پیوسته چشم انتظار پروازهای امدادی به مناطق مرکزی و کابل باشند. و فرصت مساعدت را که برای امداد به مردم افغانستان خاصاً حکومت مرکزی افغانستان بوجود آمده، به خاطر مسایل صرفاً شکلی و تکنیکی به هدر ندهند.

۵- آقای دکتور ولایتی وزیر خارجه ایران بادرخواست به مقام ولایت فقیه، مجوز ارسال کمک به حکومت آقای دکتور نجیب الله را به پیمانۀ وسیع دریافت داشته اند و ما پیشنهاد می کنیم که جانب افغانی این فرصت را بار دیگر به هدر ندهند.

۶- حکومت جمهوری اسلامی ایران مصمم است مذاکرات را بامحترم خالقیار صدراعظم جمهوری افغانستان آغاز کند که مراتب سازماندهی و ترتیبات آن به آقای طاهریان شارژدافیر سفارت ایران در کابل ابلاغ شده و مشخص شده است.

۷- جمهوری اسلامی ایران مایل است در آینده قریب در عرصه های کاملاً تازه تر سیاسی و اقتصادی با جانب جمهوری افغانستان وارد ملاقات و مذاکره شود که از چگونگی این پروگرام بعداً به اطلاع خواهد رسید.

۸- هیأت مرکب از کمیته امداد امام، زیر پوشش هلال احمر ایران عنقریب عازم کابل خواهد شد که تا نیازهای دولت افغانستان و نیاز مردم کابل را از نزدیک بررسی نماید. از مقامات افغانی خواهشمندیم امکانات مفاهمه و مذاکره آینده را با مقامات ذیدخل افغانی فراهم آورند و از ایجاد تسهیلات دریغ نوزند.

۹- درین مذاکره مراتب نگرانی جمهوری اسلامی ایران از تشکیل نا به هنگام و نابخرد(انه) شورای قیادی که اخیراً از سوی شماری از گروه های مستقر در پاکستان ایجاد شده است به من ابلاغ شد و گفته شده هر خطری از هر جناح که حکومت آقای نجیب الله را تهدید نماید جمهوری اسلامی ایران با تمام وسایل با آن مقابله خواهد کرد و نخواهد گذاشت که افراطیون و دشمنان مشترک ما در افغانستان به قدرت برسند. بدینوسیله آرزومندیم در اسرع وقت نظر مقامات وزارت امور خارجه را پیرامون پیشنهادات تازه وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به سفارت ابلاغ نمایند.

با احترام دکتور اکرم عثمان

.....

سفر تاکتیکی رئیس جمهور به تهران

دیپلمات افغان در تهران، به خاطر میاورد، که رئیس جمهور چگونه پس از رایزنی و مشاوره با داکتر عثمان، قرار میگذارند که یک نشست اضطراری هواپیمای حامل رئیس جمهور نجیب الله را در تهران تنظیم نمایند، با تکیه بر اینکه، نفس حضور رئیس جمهور در تهران، اذهان عامه را در افغانستان و نیز ایران آماده پذیرش همسویی سیاست های کابل - تهران مینماید و اسلام آباد و شورای قیادی مجاهدین را در تنگنا قرار میدهد و اما با چه تاکتیکی؟ داکتر عثمان تاکید بر این میکند که واقعیت مسئله را باید با ایرانی ها در میان بگذارند که رئیس جمهور آنها می پذیرد. کار دشوار رایزنی را، طبعاً باز هم داکتر عثمان به عهده داشت و کارمندان استخباراتی او را، با جزئیات بازی عملیاتی آشنا نمودند. هدف نمایان بود: نفس حضور رئیس جمهور افغانستان در تهران. داکتر عثمان در چند جلسه دشوار، مدیران استخباراتی و دیپلماتان ایران را قانع به سفر رئیس جمهور کشورش نمود که ظاهراً " فرود آمدن اضطراری طیاره" نام گیرد. هواپیمای رئیس جمهور در میدان "مهرآباد" فرود آمد و اما کارمندان اطلاعاتی ایران بطور ناگهانی، حاضر نشدند بگذارند رئیس جمهور داخل ترمینل گردد و با مامورین سفارت دیدار و گفت و شنود داشته باشد. آنان ترجیح دادند، داکتر در میدان هوایی یا که زمین بین المللی باقی بماند. تماس های مکرر و پر شتاب داکتر عثمان در همان دو ساعت، بی نتیجه ماند و اما پژواک سفر، کارش را کرد و به اهداف معین برای هردو طرف انجامید. یک مرجع نامعلوم و اما با صلاحیت، در حلقه رهبری دولت ایران، مانع گردید، رئیس جمهور داخل خاک ایران گردد.

و اما درکوجه ما

در " کوجه ما" فراز های زندگی داکتر اکرم عثمان به گونه ای خطی در وجود " امین " قهرمان داستان استمرار میابد: به گلوله بستن داکتر عثمان در وجود رحمت، سفارت داکتر عثمان در دوشنبه، حضور یک متفکر و داستان پرداز در گفت و شنود امین با احمد قلی نویسنده تاجیک، اعاده حیثیت داکتر عثمان در به کار گماری در وجود امین، تداوم اندیشه های چپ در وجود امین و چند مورد دیگر. اما کجاست بازی ظریف اپراتیفی نجیب الله که اکرم عثمان را مجری آن برگزیده بود. کمک به ارسال اسلحه در جنگ داخلی؟ جنگی که کشته های بسیاری را در پشته ها خواباند و داکتر عثمان مجری آن بود.

پایان

قابل تذکر

- دوست فرهیخته ام، دیپلمات افغان در تهران را بخاطر یادداشت بالا ممنونم. یکی از کارگزاران ارشد وزارت امنیت دولتی را ممنونم که از جزئیات نحوی کاری پروژه بامیان را در اختیارم گذاشت.

- ناگفته پیداست کار روشنگرانه و حید مژده ممد نهادین یادداشت بالاست

داکتر خاکستر

هامبورگ

azimiwassi@yahoo.de